

## در انتظار ظهور مسیح در آخر زمان

در ایمان به مسیح مرده اند ، خواهند برخاست و سپس آن کسانی که از میان ما زنده می ماند همراه با آنها در ابرها بالا برده خواهند شد تا در فضا با خداوند ملاقات نمایند و به این ترتیب ما همیشه با خداوند خواهیم بود" (رساله اول به تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱۶-۱۷).

ایمان داشتن به ظهور مسیح در آخر زمان شامل چند پیام امید بخش می باشد. اول اینکه مرگ جسمانی پایان زندگی و آخرین رویدادیکه با آن مواجه خواهیم بود نمی باشد. ثانیاً ، اطمینان کامل داریم ، طبق قول خداوند ما عیسی مسیح ، پس از مرگ رستاخیز خواهیم نمود و به هدف بالا و نهائی زندگی ، که همان همیشه با خدا بودن است ، خواهیم رسید. عیسی فرمود : "یقین بدانید کسیکه به من ایمان بیاورد حیات جاودان دارد" (انجیل یوحنا باب ۶ آیه ۴۷). همچنین ایمان و امید ما به ظهور پر جلال مسیح در پایان زمان باید ما را از دل‌بستگی بیش از حد به دنیای کنونی و تجملات فریبنده آن دور نگهدارد. پولس رسول ، جهت آماده شدن برای بازگشت مسیح این تذکر را به ما میدهد : "ای برادران شما در تاریکی نیستید که آن روز (روز آمدن مسیح) شما را مانند دزد غافلگیر کند ، زیرا همه شما فرزندان روشنائی هستید. ما به شب و تاریکی تعلق نداریم . پس ما نباید مانند دیگران در خواب باشیم بلکه باید بیدار و هوشیار باشیم . زیرا خدا ما را

دوستان گرامی ، میدانیم که پیروان ادیان توحیدی و ابراهیمی در انتظار منجی آخر زمان بسر می برند. ما مسیحیان نیز ایمان عمیق داریم به اینکه منجی و خداوند ما عیسی مسیح در آخر زمان با جلال و شکوه ظهور خواهد نمود و به همه کسانی که به او ایمان آوردند فیض زندگی جاودان و سعادت ابدی را عطا خواهد نمود. ایمان به ظهور مسیح در روز آخر یکی از اصول اساسی اعتقادی ما مسیحیان را تشکیل میدهد که در اعتقاد نامه کلیسا از قرون اولیه ثبت گردیده و هر یکشنبه در حین برگزاری مراسم راز قربانی مقدس آنرا بدین صورت اعلام میکنیم : "ایمان داریم به اینکه عیسی مسیح مرد و روز سوم رستاخیز نمود و برای داوری زندگان و مردگان در روز آخر باز خواهد گشت" (اعتقاد نامه نیکیه). در ضمن ، مسیحیان اولیه جهت اظهار امید خود را به آمدن مجدد مسیح اینطور دعا می کردند : "مارانا تا یعنی ، ای خداوند ما ، بیا" (رساله اول به قرنتیان باب ۱۶ آیه ۲۲). ناگفته نماند ، پایه و اساس ایمان و امید ما مسیحیان به ظهور قریب الوقوع خداوند ما عیسی مسیح کلام او طبق انجیل مقدس می باشد. ایشان فرمودند: "پسر انسان (عیسی مسیح) با جلال پدر خود همراه با فرشتگان میاید و به هر کس بر طبق اعمالش پاداش میدهد" (انجیل متی باب ۱۶ آیه ۲۷).

پولس رسول ، خطاب به مسیحیان شهر تسالونیک می گوید : "در همان موقع که فریاد فرمان الهی و صدای رئیس فرشتگان و بانگ شیپور خداوند شنیده می شود ، خود خداوند از آسمان به زیر خواهد آمد و اول کسانی که

برگزید تا بوسیله خداوند ما عیسی مسیح نجات یابیم" (رساله اول به تسالونیکیان باب ۵ آیه ۴-۹).

دوستان عزیز: اگر چه از ساعت و روز ظهور پر جلال خداوند ما عیسی مسیح اطلاع دقیقی را نداریم، لیکن اتفاقات و رویدادهاییکه شاهد آن هستیم به ما اعلام میدارند که آن روز و آن ساعت نزدیک است. امروز متأسفانه، شاهد جنگها، اعمال خشونت آمیز و تروریستی هستیم که باعث مرگ و آواره کردن بسیاری از هممنوعان خود می باشد، همچنین شاهد قحطیها، زمین لرزه ها، طوفانها و سیل آنها که جزو علائم نزدیک شدن پایان زمان حال است و ما را به بیداری و آماده شدن جهت ملاقات با سرور و منجی ما عیسی مسیح دعوت می نمایند، بیداری که ثمره عمل روح القدس در قلب ماست و ما را از خواب غفلت و ماندن در گناه در امان نگه میدارد. پولس رسول درباره بیدار ماندن می فرماید: "ای تو که خوابیده ای بیدار شده از مردگان، برخیز تا مسیح بر تو بدرخشد" (رساله به افسسیان باب ۵ آیه ۱۴).

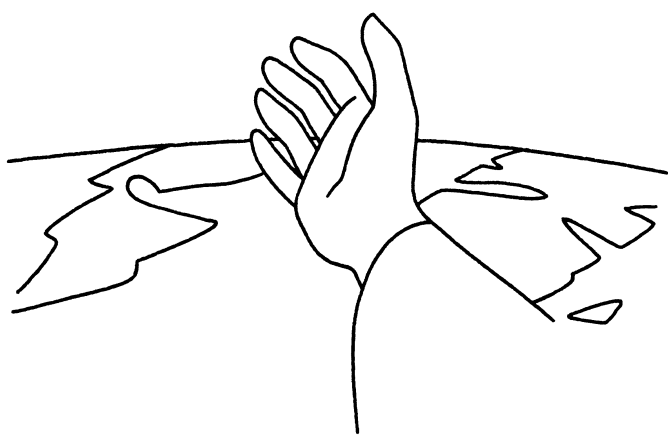
موضوع ظهور مسیح در آخر زمان یکی از موضوعات مهم و اصلی کتاب مقدس ما مسیحیان بشمار میرود، و پیامش عبارت است از اینکه دنیای کنونی دارای آغازی است و همچنین پایانی برای آن خواهد بود. بنابراین، به خودمان را با اعمال نیک و رفتار زیبا آراسته کنیم همانند یک عروس که در انتظار آمدن دامادش می باشد، منتظر مسیح موعود که بزودی میاید باشیم. کتاب مکاشفه که آخرین بخش کتاب مقدس ما را تشک میدهد و توسط یوحنا رسول نگارش شده است، به شیوه تمثیلی و نمادی اتفاق ظهور شکوهمند مسیح اینطور توصیف می نماید: "آنگاه آسمانی تازه و زمینی تازه دیدم. زیرا آن آسمان و زمین نخستین ناپدید شدند و دیگر دریائی وجود نداشت. شهر مقدس یعنی اورشلیم تازه را دیدم که از آسمان از جانب خدا مانند عروس که

برای شوهرش آراسته و آماده شده باشد به زیر میامد. از تخت صدای بلند شنیدم که می گفت: اکنون خانه خدا در میان آدمیان است و او در بین آنان ساکن خواهد شد و آنان قوم او و او خدای آنان خواهد بود. او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. دیگر از مرگ و غم و گریه و درد و رنج خبری نخواهد بود، زیرا چیزهای کهنه در گذشته است" (مکاشفه باب ۲۱ آیه ۱-۴). هم صدا با نویسنده کتاب مکاشفه و در اتحاد با همه ایماندارانی که در انتظار ظهور مسیح بسر می برند دعا بخوانیم و بگوئیم: "آمین، بیا ای عیسی، ای خداوند، فیض عیسی خداوند با همه ما باد آمین" (مکاشفه باب ۲۲ آیه ۲۰-۲۱).

### خدمتگزار شما

### رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



## دعا کردن به چه درد می خورد؟!



مسیحیان کاتولیک ، هر یک به تنهایی و یا همراه با دیگران ، به دعا می نشینند. دعای خود را با

صدای بلند و یا در سکوت ابراز می کنند. آنان در نام عیسی مسیح ، پدر آسمانی را ندا می کنند. هنگامی که در کلیسا جمع می شوند ، برای قرائت و تعمق کلام خدا و سپس دریافت قربانی مقدس می باشد.

مسیحیان ارتدکس ، عادت دارند که در مقابل شمایل‌های مقدس به دعا پردازند. و مسیحیان پروتستان خداوند را می سرایند و تنها سرچشمه دعا را کلام خدا می دانند. خلاصه همه انسانها ، خدا را به یک شکل نمی جویند ، بلکه راه‌های متفاوتی وجود دارند. همانطور که می دانید بعضی هنوز هم به خدایان مختلفی اعتقاد دارند. بعضی هم مانند یهودیان ، مسیحیان و مسلمانان به یک خدا ایمان دارند.

**... و اما با دعا کردن چه چیز عوض می شود؟**

**چطور می توان فهمید که خدا مرا می شنود؟**

در کتاب مقدس از زبان مزموور نویس چنین می خوانیم: خدایا چرا مرا ترک کرده ای؟ و یا: من به سوی تو فریاد بر می آورم و تو مرا جواب نمی دهی! ...

بارها انسانها در مقابل خدا قرار گرفته اند بدون اینکه مطمئن باشند که صدای ایشان را می شنود. شاید این درست باشد که حضور خدا را نمی توان لمس کرد ، اما این حضور خداست که به شخص ایمان دار قوت دعا کردن و لذت بردن از آن را می دهد. حضور خدا ، صدا ندارد ، اما شخص می تواند آن را در اعمال محبت

هزاران سال است که انسانها دعا می کنند. آنها سعی می کنند تا با خدا ملاقات کنند: گاهی با کلمات ، گاهی با سکوت ، گاهی هم با حرکات و یا تقدیم قربانیها. با او حرف می زنند و منتظر یک جواب می مانند. اما به راستی دعا به چه درد می خورد؟!

در دنیا مردان و زنان بسیاری هنوز دعا می کنند: از خدا تشکر می کنند ، درخواستی را ابراز می کنند و یا کمکی از او می خوانند و گاهی هم دردشان را با او در میان می گذارند.

مثلاً ... در شهری به نام مالی در آفریقا ، برای یادآوری از نیاکانشان و ایجاد ارتباط با ایشان ، مراسمی برگزار می کنند که طی آن با ماسکهای متفاوت رقصهایی را اجرا می کنند. مردمان آنجا به خدایان بسیاری اعتقاد دارند و به انحاء مختلف سعی می کنند با این خدایان ارتباط برقرار کنند.

... پیروان مسلک هندو برای ایجاد این ارتباط ، خود را در یکی از پنج رودخانه ای که از نظر ایشان مقدس است ، تطهیر می کنند و برای خدایان خود که هر یک را مظهری از «روح عالم» می دانند ، گل ، آب و یا خوراکی تقدیم می کنند.

... بودایان تعمق و تأمل را به کار می گیرند و سعی می کنند با پیروی از تعالیم بودا به «بیداری» برسند. ایمانداران یهود در مقابل دیوار ندبه در شهر اورشلیم به دعا می پردازند و معتقدند که هر لحظه ای از زندگی ، موقعیتی است برای ایجاد ارتباط با خدای حی . ایشان در کنایس نیز اجتماع می کنند تا با هم کلام خدا را بخوانند و بر آن تعمق کنند.

مسلمانان در مساجد جمع می شوند تا با هم عظمت خدا را اعلام کنند. ایشان روزانه تا پنج بار رو به مکه با حرکاتی دقیق نماز می خوانند.

تجربه کند ، به شرط آنکه در پی دریافتن این حضور باشد.

این درست است که رنج و بدبختی زیادی در جهان هست ، اما باید بدانیم و ایمان داشته باشیم که خدا بدی را نیافرید بلکه بدی نتیجه گناه بشر است ؛ در ضمن خدا مثل یک جادوگر عمل نمی کند.

### خدا چگونه عمل می کند؟

بنا به اعتقاد ما مسیحیان ، قدرت خدا ما را در همه حال حتی در زمان رنج همراهی می کند تا ما انسانها راه درست زیستن و رفتار نمودن را دریابیم و به این ترتیب در خداوند رشد کنیم .

خدا چیزها و یا وقایع را تغییر شکل نمی دهد ، بلکه او ، هر یک از ما را دگرگون می سازد ، در صورتی که حضور او را بپذیریم ، به او اطمینان کنیم و به ندای او پاسخ مثبت دهیم.

حکایت است که در میدان شهر شخص حکیمی به همه سؤالات مردم در نهایت فهم پاسخ می گفت . ناگاه چوپانی پرنده کوچکی را در مشت خود گرفت و با صدای بلند فریاد کرد: ای حکیم ، بگو که پرنده که در مشت من است زنده است یا مرده؟ ... اگر آن حکیم می گفت که زنده است ، پرنده را با فشاری می کشت ، و اگر می گفت مرده است ، مشت را می گشود و پرنده می رفت . پس حکیم گفت : پرنده ای که در مشت داری ، همانطور است که تو می خواهی! اگر آن را مرده می خواهی مرده است و اگر زنده می خواهی ، زنده است .

دوست عزیز ، تو هستی آنچه خود برگزیدی که باشی و خدا برای تو همان است که تو اجازه داده ای که باشد.

اگه حالانہ ، پس کی؟ ...  
اگر من نہ ، پس کی؟

یک هیمن از روی درخت نارگیل ، نارگیلی کند و به طرف شخصی که از زیر درخت رد می شد پرتاب کرد.

او نیز نارگیل را برداشت و شیر آن را نوشید ،

نارگیل را خورد و از پوستش یک کاسه برای خودش درست کرد.

زندگی هم دائماً مسائل را به سوی ما پرتاب خواهد کرد ...

اما هر مسئله ای موقعیتی است برای پیشرفت کردن ،

هر مشکلی راه حلی دارد ،

پس ، قبل از اینکه خود را مغلوب بدانیم ،

به دنبال این راه حل باشیم .

## آیا من برای خدا مهم هستم؟



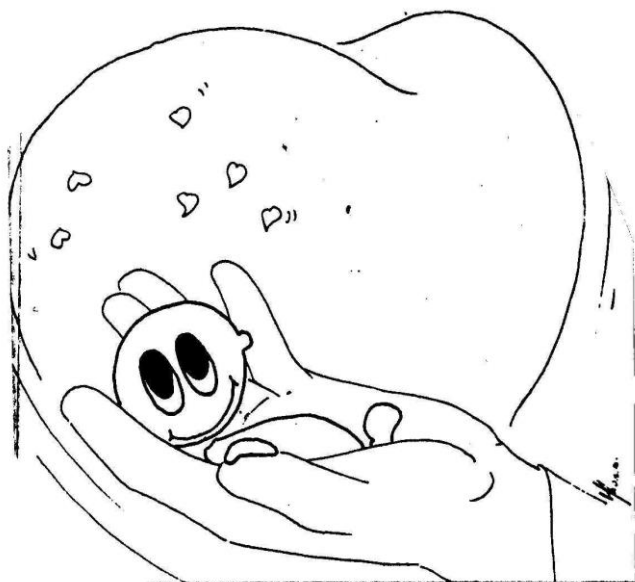
بچه ها ، این سؤال را یکی از دوستان سما که ۱۱ ساله است از ما کرد. اگر ما از شما بپرسیم که فکر می کنی برای خدا مهم هستی ، تو چه جوابی می دهی؟  
اگر در درس آموزش دینی شرکت کرده باشی ، مطمئن هستیم که جواب تو این چنین خواهد بود:  
بله ، خدا مرا خیلی هم دوست دارد.

پدر و مادر تو به تو زندگی دادند و می خواهند که تو خوشبخت بشوی. عیسی به ما آموخت که همه ما فرزندان خدا هستیم .

عیسی خواست که ما خدا را پدر آسمانی بخوانیم . ما باید بدانیم که یک خانواده بزرگی را با همه انسانهای دیگر تشکیل می دهیم . خدا همه ما را در قلب خود جا می دهد. او مثل هر پدر و مادری ، تک تک فرزندانش را دوست می دارد: برای او فرق نمی کند که بزرگ و کوچک باشی ، یا بیمار و سالم ، یا عاقل و شلوغ!

خدا همه ما را دوست می دارد. او پسرش ، عیسی مسیح را فرستاد تا به ما ثابت کند که چقدر دوستان دارد. در کتاب مزامیر هم چنین آمده است : خدایا ، پنهان ترین فکر و خواسته ام را که من از آن خبر ندارم ، تو می شناسی . و عیسی به ما می گوید که پدر آسمانی ما می داند که هر یک از ما به چه چیز احتیاج داریم .

حالا ، دوستان عزیز ، متوجه هستید که چقدر برای خدا مهم می باشید. هر یک از ما برای او بسیار عزیز و تک است .



در حالی که جستجوی خدا وابسته به خود حیات است . اگر می خواهیم به خدا نزدیکتر شویم ، باید انسان و در وهله اول خودمان را عمیق تر بشناسیم . بنابراین در این مورد هر انسانی یک محقق محسوب می شود و قادر است به جوابهای بس عمیقی درباره خدا دست یابد .

**خبرنگار: پس در حقیقت انسان هیچ وقت نمی تواند درباره وجود خدا مدارکی ارائه دهد. این درست است؟**

ژاک آرنولد: این درست نیست که یک دانشمند آن طوری که درباره «ماده» به تحقیقات می پردازد ، دست به تحقیق درباره وجود خدا بزند. همانطوری که اگر یک دانشمند ستاره شناس بگوید که خدا وجود ندارد چون من او را از پس تلسکوپ خود نمی بینم ، حرفی است خالی از ارزش و اصلاً خنده دار. به طور کلی مثل همه انسانهای دیگر در میان دانشمندان هم ، ایمان دار و غیر ایمان دار وجود دارد. خلاصه اینکه اطلاعات و آگاهی و علم یک دانشمند همیشه راهنمای او به سوی خدا نیستند. علم خیلی کمتر از آن است که چنین ادعایی بکند.

**خبرنگار: پس می توان هم به علم اعتقاد داشت و در عین حال یک ایماندار بود.**

ژاک آرنولد: البته! برای شناختن خدا باید به کلام او مراجعه کرد. همانطور که برای شناختن یک کهکشان ، باید به تحقیقات مربوطه و یا به متخصص این کار رجوع نمود. نباید در کتاب مقدس به دنبال اطلاعاتی درباره چگونه شکل گرفتن عالم مادی بود و نه در تحقیقات یک فضا شناس به دنبال آدرس خدا در آسمانها گشت .



اساس و اعتقاد یک دانشمند بر مدارک و اسناد کشف شده است ، حال آنکه یک ایماندار هیچ مدرکی دال بر وجود خدا نمی تواند ارائه دهد ... آیا در این صورت می توان هم یک عالم بود و هم یک ایماندار؟

آقای ژاک آرنولد ، یک کشیش و منجم است ، با او در این باره صحبت می کنیم .

**خبرنگار: شما چرا کشیش شده اید؟**

ژاک آرنولد: «سؤال» همیشه محرک کافی برای من در تحقیقاتم بوده است ، و باید بگویم که خدا برای انسان اولین و بزرگترین «سؤال» است . از جوانیم می دانستم که هرگز آنقدر عمر نخواهم کرد تا بتوانم جواب همه سئوالهایم را بیابم . وجود خدا همیشه برایم یک سؤال بود. و رفته رفته با نزدیکتر شدن به جواب ، دلیل کشیش شدنم فراهم شد.

**خبرنگار: چرا شما علم را دوست دارید؟**

ژاک آرنولد: علم هم منبع سئوالات است . هر محققى در مقابل سئوالاتی قرار می گیرد و از همان لحظه تحقیقات او آغاز می گردند ، و تا به کشفیاتی دست نیابد آرام نمی گیرد. البته اشتباهات زیادی هم رخ می دهد ، اما همیشه اشتباه یک مانع نیست ، بلکه گاهی تبدیل به راه حل می شود. در هر حال همه ما می دانیم که هرگز انسان به همه چیز پی نخواهد برد.

**خبرنگار: شما به عنوان یک عالم و محقق آیا می خواهید دلایل و مدارکی عینی دال بر حضور و وجود خدا داشته باشید؟**

ژاک آرنولد: خیر ، نباید همه چیز را با هم قاطی کرد! علم و ایمان به سئوالات واحدی جواب نمی دهند. دانشمندان سعی دارند دریابند که جهان مادی چگونه در کار است ؛ و در این باره به مشاهدات و آزمایشات می پردازند.

## دو نجات یافته

یک کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان در دریا شکست و غرق شد و تنها دو مرد توانستند نجات یابند و به جزیره کوچکی شنا کنند.

دو نجات یافته نمی دانستند چه کاری باید کنند اما هر دو موافق بودند که چاره ای جز دعا کردن ندارند. به هر حال برای اینکه بفهمند که کدام یک از آنها نزد خدا محبوبترند و دعای کدام یک مستجاب می شود آنها تصمیم گرفتند تا آن سرزمین را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در یک بخش درست در خلاف یکدیگر زندگی کنند. نخستین چیزی که آنها از خدا خواستند غذا بود.

صبح روز بعد مرد اول میوه ای را که بر روی درختی روئیده بود در آن قسمتی که او اقامت می کرد دید و مرد می تونست اونو بخوره . اما سرزمین مرد دوم زمین لم یزرع بود.

هفته بعد مرد اول تنها بود و تصمیم گرفت که از خدا طلب یک همسر کند. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به بخشی که آن مرد قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هیچ چیز نداشت .

به زودی مرد اول از خداوند طلب خانه ، لباس و غذا بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشه همه چیزهایی که خواسته بود به او داده شد. اگرچه مرد دوم هنوز هیچ چیز نداشت .

سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همسرش آن جزیره را ترک کنند. صبح روز بعد مرد یک کشتی که در سمت او در کناره جزیره لنگر انداخته بود را یافت . مرد با همسرش سوار کشتی شد و تصمیم گرفت مرد دوم را در جزیره ترک کند.

او فکر کرد که مرد دیگر شایسته دریافت نعمتهای الهی نیست . از آنجاییکه هیچ کدام از درخواستهای او از پروردگار پاسخ داده نشده بود.

هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول صدایی غرش وار از آسمانها شنید: «چرا همراه خود را در جزیره ترک می کنی؟»

مرد اول پاسخ داد: «نعمتها تنها برای خودم هست چون که من تنها کسی بودم که برای آنها دعا و طلب کردم دعاهای او مستجاب نشد و سزاوار هیچ کدام نیست»

آن صدا مرد را سرزنش کرد: «تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و گرنه تو هیچکدام از نعمتهای مرا دریافت نمی کردی»

مرد از آن صدا پرسید: «به من بگو که او چه دعایی کرد که من باید بدهکارش باشم»

«او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود»

ما هممون می دونیم که نعمتهای ما تنها میوه هایی نیست که برایش دعا می کنیم ، بلکه آنها دعاهای دیگران هستند برای ما .

## اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۴ آبان ۹۶ = ۵ نوامبر ۲۰۱۷، یکشنبه اول تقدیس کلیسا.  
عهد عتیق: اشعیاء فصل ۶ آیه ۱-۱۳  
رساله: اول قرنطیان فصل ۱۲ آیه ۲۸ الی آخر باب ۱۳  
انجیل: متی فصل ۱۶ آیه ۱۳-۱۹
  
- یکشنبه ۲۱ آبان ۹۶ = ۱۲ نوامبر ۲۰۱۷، یکشنبه دوم تقدیس کلیسا  
عهد عتیق: اول پادشاهان فصل ۸ آیه ۱۰-۲۹  
رساله: عبرانیان فصل ۸ آیه ۱ الی فصل ۹ آیه ۱۰  
انجیل: متی فصل ۱۲ آیه ۱-۲۱
  
- یکشنبه ۲۸ آبان ۹۶ = ۱۹ نوامبر ۲۰۱۷، یکشنبه سوم تقدیس کلیسا  
عهد عتیق: اشعیاء فصل ۵۴ آیه ۱-۱۵  
رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۵-۱۵  
انجیل: یوحنا فصل ۲ آیه ۱۲-۲۲
  
- یکشنبه ۵ آذر ۹۶ = ۲۶ نوامبر ۲۰۱۷، یکشنبه چهارم تقدیس کلیسا  
عهد عتیق: حزقیال فصل ۴۳ آیه ۱-۷  
رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۱۶ الی آخر باب  
انجیل: متی فصل ۲۲ آیه ۴۱ الی فصل ۲۳ آیه ۲۲

محبتی است که ما را به تعجب وادارد.

کمکی است که روی آن حساب نمی کردیم ،

مهربانی است که فکر نمی کردیم شایسته اش باشیم ،

و احتمالاً شایسته آن نبودیم.

اما بفر حال ، این فیض آنجاست ، و از اکثر حوادث زندگیمان اینگونه نجات می یابیم.